طالبانی به آینده پروژه آشتی ملی امیدوار است

راهبرد جذب اپوزیسیون در بغداد

گردش امور در هرم حاکمیت عراق امروز بر دوش دو جریان سیاسی این کشور قرار دارد : شیعیان و اکراد . دراین روزهای سخت ودشوار عراق که شماری از جناح های قدرت در بغداد بنابر انگیزه سهم خواهی مقر حکمرانی در منطقه، الخضرا را ترک کرده و مردم عراق را با آلام عمیق شان تنها گذاشته اند، همه بار مسئولیت بر دوش همان کسانی افتاده است که از دوانتفاضه خونین ۱۹۹۱ تاکنون برای برچیدن بساط رژیم سرکوب بعثی ها بیشترین قربانی را داده اند . دو جناح شیعه و کرد در شمال و مرکز عراق هنوز وهمچنان آماج بیرحمانه ترین حمله های مخالفان صلح و آزادی این سرزمین هستند .با این همه آنها همچنان برای دور کردن عفریت خشونت و شوونیسمی که در جلد قبایل و اقوام این کشور جا خوش کرده است همه سرمایه سیاسی و جانی خویش را پیشکش کرده اند . در فصل اخیر با آن که آنها بی مهری بزرگی از جانب شرکای داخل یعنی جناح اعراب سنی وشریک خارج یعنی آمریکایی ها متحمل شده اند اما همچنان در طریق مدارا و سیاست آشتی ملی گام برمی دارند . همه ناظران حتی طرف های غربی که ساز ناسازگاری با حکومتگران بغداد را نواخته اند از نقش کلیدی که جلال طالبانی و نوری مالکی در دو جایگاه ریاست جمهوری و نخست وزیری در این فضای پرتنش ایفا می کنند، آگاه هستند . وحدت عمل این دو چهره سرشناس نمادی از پیوند استراتژیک شیعیان و اکراد است که امروز اکثریت پارلمان عراق را در دست دارند . طالبانی در گفت وگوی تازه خود با لوموند گوشه هایی ازاین همگامی نمادین را بازگو کرده است . اظهارات رئیس جمهور عراق گویای دشواری مسیر آشتی وثبات دراین سرزمین است . طالبانی که همزمان با سفر وزیر خارجه فرانسه ارزیابی خویش از اوضاع امروز عراق را ارائه کرده بحث خود را با توصیفی از سیر روابط بغداد و پاریس آغاز می کند .

گروه بین الملل

[ترجمه : حسین قنبری گرمی]

■ **بازدید برنارد کوشنر، وزیر امور خارجه فرانسه از عراق را چگونه ارزیابی می کنید ؟**

من آن را در یک کلمه خلاصه می کنم . این اقدامی تاریخی بود . پس از رهایی عراق از زیر یوغ دیکتاتوری صدام این برای نخستین بار است که یک وزیر فرانسوی برای گفت وگو با رهبران و مشاهده اوضاع عراق وارد بغداد می شود. مطمئن هستم که این بازدید به درک متقابل دو کشور از هم کمک خواهد کرد.

دوستی من و کوشنر بیش از دو دهه سابقه دارد . زمانی که وی در مأموریت پزشکان بدون مرز برای کمک به قربانیان غیرنظامی بمباران ها و تبعیدهای رژیم صدام بود در کوه های کردستان با هم ملاقات هایی داشتیم و از آن زمان تاکنون هرگز ارتباط مان قطع نشده است.

در سال ۲۰۰۶ من به طور رسمی و دیپلماتیک از کوشنر دعوت کردم تا به بغداد و کردستان بیاید . وی دعوت من را پذیرفت اما این سفر امکان پذیر نشد. نیکولا سارکوزی ، رئیس جمهور فرانسه نیز علاقه مند به نزدیکی دو کشور است . وقتی سارکوزی وزیر کشور فرانسه بود به ما قول داد به محض این که رئیس جمهور شود بیشتر به ما کمک خواهد کرد بویژه در زمینه امنیتی. ما این امکان را فراهم کردیم که فرانسه نیروهای امنیتی عراقی را آموزش دهد و برای دفاع از غیرنظامیان ، سلاح های سبک در اختیار آنان قرار دهد .

■ **شما از این بازگشت فرانسه به صحنه عراق چه انتظاری دارید ؟**

عراق ملتی بزرگ و کشوری ثروتمند است که می تواند در کل خاورمیانه تأثیر گذار باشد. فرانسه باید به ارتقای دموکراسی کمک کند . روابط میان فرانسه و عراق به طور سنتی بسیار خوب بوده است.

در گذشته دولت فرانسه با دیکتاتوری رابطه داشت که مورد تنفر مردم عراق بود. این روابط امروز باید در بستری تازه و با محوریت دوستی بین دو کشور ، دوباره از سر گرفته شود.

زمینه های فراوانی برای همکاری وجود دارد . فرانسه می تواند در گسترش شرکت هایی که در زمینه بازسازی مناطق تخریب شده فعالیت می کنند به عراق کمک کند. همین طور ما میادین نفتی زیادی داریم که از سرمایه گذاری شرکت های فرانسوی در این میادین استقبال می کنیم .

■ **فرانسه چه کاری می تواند انجام دهد ؟ آیا شما به ابتکاری مشابه کنفرانس طرف های لبنانی که در پاریس برگزار شد فکر می کنید؟**

مشکل بزرگ ودر واقع وظیفه ما پایان دادن به درگیری های داخلی عراق و رسیدن به آشتی ملی است و این تنها راه پایان دادن به تروریسم در کشور ماست . زیرا تروریست ها که عمدتاً از خارج عراق تغذیه می شوند و بیشترشان غیر عراقی هستند جوامع مختلف عراقی را تحریک می کنند و از اختلاف های آنها برای ارتکاب اعمال تروریستی و جنایت استفاده می کنند . من اعتقادی به ضرورت تشکیل کنفرانس ملی در عراق ندارم . در لبنان ، احزاب مختلف قادر به گفت وگو با هم یا نشستن پشت یک میز مذاکره نیستند اما در عراق احزاب مختلف با هم گفت وگو می کنند و هر روز با هم ملاقات دارند . همه قشرهای جامعه عراق در این گفت وگوها شرکت می کنند بدون این که نیازی به تشکیل کنفرانس باشد.

■ **وزیر امور خارجه فرانسه، عراق را با لبنان مقایسه کرد و در این راه به تعارض های موجود میان شیعان و سنی ها و خطری که از این بابت منطقه را تهدید می کند اشاره کرده است . نظر شما چیست ؟**

در عراق جنگ شیعه و سنی وجود ندارد اما اختلاف هایی میان این دو وجود دارد؛ حتی اختلاف هایی در درون خود این جوامع نیز وجود دارد.

از سوی دیگر فراموش نکنید وقتی از سنی ها صحبت می شود اکثر کردها به این جامعه تعلق دارند. باید بگویم ما در شرایط رودر رویی دو جبهه کاملاً مخالف هم قرار نداریم.

در مقابل در بطن این دو جامعه یعنی جامعه شیعه و جامعه سنی تشکل های سیاسی گوناگون وجود دارد . درهر دو جریان شیعه وسنی گروه های افراطی وجود دارند که باهم اختلاف وکشمکش دارند. اما اکثریت قریب به اتفاق شهروندان عراقی از درگیر شدن باهم امتناع می کنند .

ما همچنین شاهد نوعی جدل سیاسی برای تقسیم قدرت در عراق هستیم . علاوه بر این سوء تفاهم

درهر دو جریان شیعه وسنی گروه های افراطی وجود دارند که باهم اختلاف وکشمکش دارند اما اکثریت قریب به اتفاق شهروندان عراقی از درگیر شدن باهم امتناع می کنند

هایی درمورد قانون اساسی و اجرای آن وجود دارد .

■ **با این حال عراق چند روز پیش شاهد مرگبارترین سوء قصد دوران معاصر خود بود در این باره چه نظری دارید؟**

وجود حمله های تروریستی در عراق حقیقت دارد اما هدف این حمله ها بیشتر از ارتش و نیروهای پلیس، غیرنظامیان هستند . این گروه های تروریستی با خودروهای بمب گذاری شده به روستاهای فقیرنشین ترکمن ها یا آبادی های یزیدیان که دور از شهرها و نزدیک مرز سوریه قرار دارند می روند .

■ **دولت عراق همچنین یک بحران بزرگ را پس از استعفای برخی وزیران بویژه وزیران سنی به خود دید . دراین باره نظر شما چیست؟**

این پدیده ای طبیعی در جریان دموکراسی است. این استعفاها دلایل مختلفی داشت . اعراب سنی درخواست هایی از دولت داشتند و خواستار پاسخگویی سریع به خواسته هایشان بودند .

نوری مالکی نخست وزیر عراق هم هنوز برای انجام خواسته های آنان کاملاً آماده نبود در حالی که وزیران مستعفی با این تفکر که با آنان همانند یک شریک سیاسی واقعی رفتار نمی شود کابینه را ترک کردند .

درباره وزیران شیعه متعلق به جنبش مقتدی صدر باید گفت که این هم یک مشکل دیگر است. نوری مالکی تدابیری را علیه برخی از گروه های وابسته به جریان مقتدی صدر که قانون را نقض می کردند اتخاذ کرده بود، یعنی آن دسته از افراد خودسر که به نام جیش المهدی مخالفان شان را به قتل رسانده بودند.

مقتدی صدر با تأیید این که با این جنایت ها مخالف است این اتهام ها را رد کرد و نوری مالکی هم مجبور شد تا در برابر این شبه نظامیان شدت عمل بیشتری از خود نشان دهد و بدین ترتیب وزیرانی که مخالف اقدام های مالکی بودند دولت را ترک کردند.

هم اکنون صدریون در حال مذاکره با نخست وزیر هستند و می گویند که آماده اند دوباره وارد جریان های سیاسی و پارلمانی شوند، همچنین پیشنهاد داده اند وزیرانی توانمندتر به جای وزیران مستعفی وارد کابینه شوند .

■ **آیا این کار برای خروج از بحران مفید است ؟**

ما نشستی را برگزار کردیم که در آن نمایندگان همه جناح های سیاسی کشور برای بحث وتبادل نظر درباره موارد مورد اختلاف حضور داشتند . توافقی هنوز به دست نیامده اما پیشرفت هایی وجود داشته است. مهم تر از همه این که تمامی رهبران از جناح های مختلف سیاسی عراق مصمم به حل و فصل همه این مشکلات هستند .

اعراب سنی احتمالاً دوباره وارد دولت نخواهند شد. اما باید بگویم حتی در این صورت نیز مشکلی برای همراهی با این جریان سیاسی وجود ندارد. بازگشت آنان به دولت به برآوردشان از اوضاع و شرایط بستگی دارد.

ما تلاش می کنیم تا آنان را به بازگشت به دولت متقاعد کنیم زیرا بدون حضور آنان دولت بعد «اتحاد ملی» خود را از دست می دهد . اعراب سنی عنصر مهمی از این اتحاد ملی هستند .

اما اگر آنان بازنگردند دولت آنچنان آسیب جدی نخواهد دید زیرا دولت همواره اکثریت قاطع پارلمان را در اختیار دارد و می تواند به حیات خود ادامه دهد .

محدودیت ها و آسیب های رسانه ها در جهان مدرن از نگاه نوام چامسکی

تخریب منتقد زیربیرق جهانی شدن

[بخش دوم وپایانی /منبع : لوموند]

■ **شما در یکی از کتاب های خود جمله میلتن فریدمن را تفسیر می کنید که گفته بود «سودجویی خود جوهر دموکراسی است».**

حقیقت آن است که این دو مقوله - سود جویی و دموکراسی - چنان در تضاد با یکدیگرند که هیچ تفسیر پذیرفتنی درباره پیوند میان آن دو نیز نمی تواند وجود داشته باشد. غایت دموکراسی آن است که مردم بتوانند درباره زندگی خویش و گزینه های سیاسی که با آنها سر و کار دارند تصمیم بگیرند. میل دستیابی به سود نقطه آسیب جوامع ماست که بر ساختارهای ویژه ای تکیه دارد. در جامعه ای آبرومند که بر مبانی اخلاق پایه گذاری شده باشد تکاپو برای سود بردن یک دلمشغولی فرعی است. برای مثال بخش دانشگاهی من [مؤسسه تکنولوژی ماساچوست] را در نظر آورید، چندین دانشور سخت می کوشند تا به پول زیادی دست یابند، اما آنها را مانند حاشیه راندگانی می بینند که پریشان حال هستند. بر عکس ، آنچه جامعه دانشگاهی را به جنب و جوش وا می دارد، تلاش برای رازگشایی هایی است که هم علائق روشنفکری بر می انگیزند و هم خیر عام.

■ **در اثری که انتشارات هرن به شما اختصاص داده، ژان زیگلر نوشته است: «سه گونه خود کامگی وجود داشته است، خود کامگی استالینی، خود کامگی نازی و اکنون خود کامگی مفهوم «هیچ بدیل دیگری یافت نمی شود» آیا این سه نوع خود کامگی را می توان با یکدیگر مقایسه کرد؟**

من این هرسه گونه را در یک نما نمی گنجانم. به نبرد علیه شعار «هیچ بدیل دیگری یافت نمی شود» برخاستن به منزله رویارویی با یک سلطه روشنفکری است که نمی توان آن را با اردوگاه های کار اجباری نازیان و گولاگ استالینی یکسان دانست و در عمل هم سیاست ایالات متحده مخالفت انبوهی را در سراسر کره زمین برانگیخته است. آرژانتین و ونزوئلا صندوق بین المللی پول را بیرون رانده اند. ایالات متحده ناگزیر شده از انجام کودتاهای نظامی در آمریکای لاتین دست بردارد امری که تا همین بیست یا سی سال پیش هنوزنوعی هنجار به شمار می رفت. امروزه برنامه اقتصادی نولیبرالی را که در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به زور بر تمام آمریکای لاتین تحمیل کرده بودند از این قاره به دور انداخته اند و باز همین مخالفت را در مقیاس بین المللی علیه جهانی کردن اقتصاد نیز می بینیم. در واقع «جنبش برای عدالت» که در هر همایش جهانی پرتونورافکن رسانه ها به سوی خود می کشاند را در طول سال همواره در تکاپو یافته ایم. این پدیده بسیار تازه ای در تاریخ است که شاید آغاز انترناسیونالیسم راستینی را رقم بزند. اما حجت اصلی آن در وجود راه حلی جایگزین شونده نهفته است. وانگهی، چه نمونه ای را می توان بهتر از همین همایش اجتماعی بین المللی برای جهانی شدن دیگرگونه سراغ گرفت؟ رسانه هایی که با مفهوم اجتماعی جهانی شدن مخالفت می ورزند کسانی را که با جهانی کردن به سبک نولیبرالی مخالفند «ضد جهانی شدن» می نامند گو این که اینان به نبرد در راه هرگونه جهانی کردن متفاوت برخاسته اند که همان جهانی ساختن خلق هاست.

می توان تمایز میان دو رویکرد را مشاهده کرد. زیرا که در همان زمان مجمع جهانی اقتصاد در داووس [سوئیس] گرد آمده بود که هرچند در راه انسجام اقتصادی در پهنه کره خاکی می کوشد اما فقط منفعت بورس بازان و بانک ها و صندوق های بازنشستگی را پیش چشم دارد. همان قدرت هایی که طیفی از رسانه ها را نیز به مهار خود درآورده اند. دریافت آنها از انسجام جهانی همین است که در خدمت سرمایه گذاران باشد. رسانه های فائق عقیده دارند که تنها همین انسجام است که سزاوار برخورداری از نامگذاری رسمی جهانی شدن است .

همین قضیه نمونه خوبی از نحوه کارکرد رسانه و تبلیغات در جوامع دموکراتیک به دست می دهد که کارایی آن به اندازه ای است که حتی بر شرکت کنندگان در همایش عدالت اجتماعی گاه صفت آمیخته با سوءنیت «مخالفان جهانی شدن» اطلاق می کنند. در پورتو الگره، به بحث و گفت و گو در چارچوب آن همایش اجتماعی جهانی پیوستم و در کنفرانس جهانی کشاورزان مشارکت جستم. خود کشاورزان به تنهایی اکثریت جمعیت کره زمین را تشکیل می دهند.

■ **شما را در ردیف آنارشیست ها یا سوسیالیست های آزادی خواه می گنجانند. در تلقی شما از نظام مردمسالار، جایگاه حکومت در کجاست؟**

ما در این گیتی به سر می بریم و نه در جهانی رؤیایی. در همین جهان نهادهای جباری وجود دارد که همان شرکت های عظیم هستند. نزدیکترین همسانی با نهادهای خودکامه را نزد همین شرکت ها می توان جست. می توان گفت که آنها خود را موظف نمی دانند هیچ گونه حسابی به مردم یا به جامعه پس بدهند و به شیوه درندگانی رفتار می کنند که گویی بنگاه های اقتصادی دیگر طعمه های ایشان هستند. مردم برای دفاع از خویش در برابر آنها جز یک وسیله یعنی نهاد دولت چیز دیگری در کف ندارند. لکن این نهاد سپر بسیار مؤثری نیست زیرا عموماً با پیوندی تنگاتنگ به همان شرکت ها وابسته است. تنها یک فرق میان آن دو- دولت و کمپانی ها- هست که نمی توان به سادگی نادیده گرفت. در حالی که مثلاً شرکت جنرال الکتریک ناگزیر به پس دادن هیچ حسابی به کسی نیست، دولت گاه نزد مردم به تشریح موقعیت وعملکرد خویش می پردازد. هنگامی که دموکراسی به آن اندازه گسترش یابد که شهروندان وسایل تولید و داد وستد را در مهار خود بگیرند و به جایی برسند که همین مردم در کارکرد و مدیریت سیستمی که در آن به سر می برند مشارکت جویند آنگاه دولت می تواند اندک اندک از میان برخیزد. جای آن را انجمن های داوطلبی خواهد گرفت که در محل کار و هرجا که مردم زندگی کنند برپا خواهد شد.

■ **آیا این همان نظام شوراهاست ؟**

شوراها بودند. اما نخستین چیزی که لنین و تروتسکی درست بعد از انقلاب اکتبر ویران ساختند شوراها و انجمن های رایزنی کارگری و تمام نهادهای دموکراتیک بود. این دو تن از این نظر بدترین دشمن سوسیالیزم در قرن بیستم به شمار می آیند. آنها در هیبت مارکسیست های جزم اندیش، باور داشتند که جامعه عقب افتاده ای مانند روسیه عصر آنها، پیش از آن که به زور به سوی صنعتی شدن سوق داده شود نمی تواند بی واسطه به سوسیالیسم گذر کند.

■ **آیا درست نیست بگوئیم که تمام شکل های سامان یابی خودجوش سرانجام به موجب اصول آنارشیستی فروریخته اند؟**

«اصول آنارشیستی» ثابتی وجود ندارد که باید با آن بیعت کرد. مکتب آنارشیسم - برخلاف اصطلاح مرسوم و نادرست کنونی - آن گونه که من آن را در می یابم ابتدا یک نهضت فکری و اقدام انسانی بوده که در پی مشخص ساختن ساختارهای اقتدار و استیلا بود و از این ساختار ها می خواست که توجیهی برای بقای خود ارائه دهند و درست هنگامی که این ساختار ها دیگر ناتوان و بی مصرف می شوند- چیزی که به کرات پیش می آید- آنارشیسم می کوشد از آنها پیشی بگیرد. آنارشیسم در این کاربردش یعنی اندیشه آزادی خواهی که نه تنها با «فروریختن» بسیار فاصله دارد بلکه از بنیه بسیار خوبی هم برخوردار است. این مکتب در تعریف اصیل آن منشأ بسیاری از پیشرفت ها بوده است. شکل هایی از سرکوبی و بی عدالتی کمتر شناخته شده را که آنارشیسم نفی می کند دیگر کسی نمی پذیرد. این یک موفقیت، گامی به جلو برای مجموعه نوع بشر و نه یک شکست است.

پی نوشتها:

۱ - «کارگاه خشنود سازی» اصطلاح والتر لیپمن رساله نویس آمریکایی است. لیپمن با طرح این مفهوم از دهه ۱۹۲۰ قابلیت مردم عادی را در تعیین خردمندانه سرنوشت خویش در سایه تردید قرار داده و پیشنهاد کرده بود که نخبگان دانشور آگاهی ها را پیش از آن که به توده ها برسد «بپالایند».

۲ - عبارت «هیچ راه حل بدیلی - به جز سرمایه داری - نیست» سخن خانم مارگارت تاچر بود که با طرح آن خواست سرمایه داری نولیبرالی را گریزناپذیر خواند. ژان زیگلر با کنار هم چیدن حرف اول انگلیسی این عبارت به واژه «تینا» رسید و اعلام کرد که این واژه نوع سوم خودکامگی است.

۳ - کتاب کارگاه افکار عمومی سازی : سیاست اقتصادی رسانه های آمریکایی که با همکاری ادوارد هرمن تهیه شده به رد سخنان کسانی می پردازد که «نظریه توطئه بینی» را به چامسکی نسبت می دهند. نویسندگان کتاب شرح می دهند که مدعای اغلب پیشداوری های رسانه ای، ترسیم چهره ای از پیش برگزیده برپایه ایده های پیش ساخته است .

۴ - چامسکی در کتاب «مسئولیت های روشنفکران»، گزینشی بودن«تعهدات» روشنفکران غربی را به باد انتقاد می گیرد.